

برداشتی از قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲

علیرضا محمدزاده وادقانی*

چکیده

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ در زمره قوانین نادری است که هنوز در هیچ نوشته‌ای به طور مستقل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. شاید یکی از دلایل این بی‌توجهی موارد ابهام و پرسش‌های زیادی است که هر یک از مواد قانون به نوبه خود مطرح می‌کنند. بی‌گمان نبود سیر فکری منسجم در وضع قانون از سوی قانون‌گذار، نبود حساسیت اجتماعی در حمایت از ذی‌نفعان حقوق مجاور به ویژه هنرمندان-مجری، بی‌توجهی پژوهشگران و رویه قضایی نسبت به قانون، همگی در این وادی دارای سهم می‌باشند. موضوع این نوشته طرح این پرسش‌ها و پاسخ ابتدایی به آن با توجه به قوانین ملی و بین‌المللی حاکم در مبحث حق مؤلف و حقوق مجاور است. با این امید که در پژوهش‌های بعدی توسط پژوهشگران خوش‌فکر و خوش‌ذوق حقوق مالکیت فکری ارتقا یافته و در حمایت از ذی‌نفعان حقوق مجاور کارساز واقع شود.

واژگان کلیدی: هنرمند-مجری، تولیدکننده حامل صوتی، سازمان پخش رادیویی، حامل صوتی، اثر، معاهده رم

مقدمه

قانون‌گذار در سال ۱۳۵۲، چهار سال پس از وضع قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، به وضع قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی پرداخت. کاملاً آشکار است که قانون‌گذار با آگاهی کامل از قانون یاد شده و متعهد به رعایت حرمت و اولویت آن (نگاه کنید به مواد ۱۰ و ۱۱ قانون) قانون جدید را وضع می‌کند. در این وضعیت این پرسش مطرح می‌شود که چرا قانون‌گذار با وجود حمایت قانونی از اثر ترجمه‌ای، کتاب، نشریه و اثر صوتی در ماده ۲ قانون اخیر دوباره آن‌ها را در این قانون مورد حمایت قرار می‌دهد؟ فرضیه دوباره‌کاری به دلیل رفتاری دور از شأن قانون‌گذار منتفی است، هرچند در مورد ترجمه به دلیل نبود صراحت در قانون ۱۳۴۸ می‌توان نظر به جنبه تأکیدی قانون داشت. اما در مورد آثار صوتی باید گفت: به نظر می‌رسد که قصد قانون‌گذار از بیان آثار صوتی، حامل‌های صوتی بوده است. زیرا، به طور عمده مواد قانونی حکایت از حمایت از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش دارد، یعنی کسانی که به عنوان ذی‌نفعان حقوق مجاور معروفیت دارند.

بی‌گمان قانون‌گذار از یک‌سو متأثر از معاهده رم مصوب ۱۹۶۱ در حمایت از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و همین‌طور معاهده حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی مصوب ۱۹۷۱ ژنو، و از سوی دیگر متأثر از وضعیت آشفته حاکم بر بازار نشر به‌ویژه نشر غیرمجاز آثار خارجی و ترجمه آن‌ها اقدام به وضع قانون موضوع بحث می‌نماید. نشانه‌هایی وجود دارد که قانون‌گذار بی‌تأثیر از قوانین کامن‌لایی هم نبوده، چراکه در این نظام هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و مؤلفان آثار صوتی، حامل‌های صوتی و آثار صوتی همگان بدون تفکیک برخوردار از کپی‌رایت هستند، در حالی که در نظام‌های شخص‌محور مؤلف برخوردار از حق مؤلف است، هنرمند-مجری و تولیدکننده حامل صوتی برخوردار از حقوق مجاور. قانون‌گذار در وضع این قانون گاه با نگاهی کامن‌لایی عمل کرده و مؤلفان آثار صوتی را در کنار سازمان‌های پخش رادیویی مشمول حمایت قرار داده است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت، قانون‌گذار با دغدغه حمایت از ذی‌نفعان حقوق مجاور که عبارتند از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی، و نیز ممنوع کردن چاپ آثار ترجمه‌ای که مورد حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نیستند و جلوگیری از چاپ و پخش غیرمجاز بی‌پروای آثار به‌ویژه آثار خارجی، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی را در سال ۱۳۵۲ به تصویب می‌رساند. شاهد این گفته، علاوه بر نشانه‌ها و مواردی که به مناسبت بحث از مواد قانونی عنوان می‌شود، ماده ۱۱ قانون است

که به طور کامل برگرفته از مواد ۱ و ۲۴ معاهده رم و بند ۱ ماده ۷ معاهده حامل های صوتی است. برابر ماده ۱۰ قانون: احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایت های مذکور در قانون حمایت حقوقی مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود و برابر ماده ۱۱، مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی کند و محدود نمی سازد. به عبارتی دیگر، این قانون در راستا و مکمل قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ وضع شده است و به هیچ وجه نمی تواند جایگزین یا در مقابل آن قرار گیرد. به عبارت ساده تر در زمینه های مشترک بین این دو قانون، فقط آورده های این قانون نسبت به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ قابل اجرا است و نه محدودیت های آن. اینک هر یک از مواد قانون به ترتیب مورد بررسی و ملاحظه قرار می گیرد.

۱. ماده اول

ماده ۱: «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه ای با مترجم و یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وارث منتقل می شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است. حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است.»

قابل یادآوری است که قانون گذار در ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در تعریف پدیدآورنده، آن را شامل مؤلف، مصنف و هنرمند دانسته است، بنابراین مؤلف یک اثر ترجمه ای که به مترجم معروف است همچون دیگر مؤلفان از کلیه حقوق مالی و معنوی مقرر در آن قانون نسبت به اثر ترجمه ای برخوردار است، از جمله حق تکثیر و بهره برداری از آن و همچنین حق عرضه و اجرای اثر (ماده ۳ و ۵)، حق تمامیت اثر (ماده ۱۹) و حق انتساب اثر (ماده ۱۸). این حقوق مالی قابل واگذاری است (ماده ۳) و مدت آن عمر مؤلف به علاوه پنجاه سال است (تبصره اصلاحی ماده ۱۲ به تاریخ ۸۹/۵/۳۱).

در ابتدای این ماده حق تکثیر مترجم نسبت به اثر ترجمه ای و بهره برداری از آن مطرح شده است و مدت آن از تاریخ مرگ مترجم سی سال تعیین گردیده است. بنابراین با استناد به مواد ۱۰ و ۱۱ همین قانون، بخش اول جمله که مؤید مواد ۳ و ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، حاکم و بخش دوم که تعیین کننده مدت حمایت است، به دلیل مغایرت با تبصره اصلاحی ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ به تاریخ

۱۳۸۹/۵/۳۱ منتفی می‌باشد. به عبارت دیگر از جهت مدت حمایت مترجمان همچون سایر مؤلفان مشمول قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و تبصره اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۳۱ بوده و اثر ترجمه‌ای مؤلف ترجمه (مترجم) به مدت عمر مترجم به علاوه پنجاه سال مورد حمایت می‌باشد.

در بخش بعدی ماده حق تکثیر مترجم قابل انتقال اعلام گردیده که کاملاً با ماده ۳ قانون مصوب ۱۳۴۸ هماهنگ بوده و در بخش پایانی حق انتساب اثر ترجمه‌ای برای مترجم به رسمیت شناخته شده که آن هم هماهنگ با ماده ۱۸ قانون پیش‌گفته است.

در این ماده در زمره حقوق مالی مترجم حق عرضه اثر و در زمره حقوق معنوی مترجم حق تمامیت اثر در مقایسه با قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ تصریح نشده است، بدیهی است که این موارد بر اساس قانون مادر (قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸) مترجمان از آن برخوردارند. همان طوری که پیش‌تر گفته شد در زمینه مدت حمایت نیز به موجب همان قانون به مدت عمر مؤلف به علاوه پنجاه سال از حمایت برخوردارند. گفته‌هایی همچون این که به دلیل نام نبردن مترجم در قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و اختصاص قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ به مترجم، و یا این گفته که قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نسبت به قانون مصوب ۱۳۴۸ خاص است و مترجمان به عنوان گروهی خاص از مؤلفان صرفاً مشمول همین قانون خاص بوده و نه بیشتر، ابراز نظری غیرمنطقی، برخلاف رویه موجود در سایر کشورها، معاهده برن و مواد ۱۰ و ۱۱ همین قانون است. غیرمنطقی است، زیرا ماده ۱ فقط برخی از امتیازات حق مؤلف را برای مترجم تصریح کرده (حق تکثیر و حق انتساب اثر) و در مورد برخی دیگر ساکت است (حق عرضه اثر، حق رعایت تمامیت اثر و...). بر اساس این نظر مترجمان در مقایسه با سایر مؤلفان از بسیاری از امتیازات حق مؤلف بدون هیچ توجیهی محروم می‌شوند، که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. همچنین بر خلاف بند ۲ ماده ۱۱ سوم معاهده برن و قوانین داخلی کشورها از جمله قانون مالکیت فکری فرانسه است (بند ۳ ماده ۱۱۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه).

با نظر قانون‌گذار نیز هم‌سویی ندارد، زیرا، قانون‌گذار در ماده ۲۴ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ به طور صریح چاپ بدون اجازه ترجمه دیگری را ممنوع اعلام کرده است، این ممنوعیت حکایت از حمایت قانون‌گذار از مترجم برای آثار ترجمه‌ای دارد. علاوه بر این، این برداشت برخلاف سنت و جایگاه ترجمه در فرهنگ ایرانی است، زیرا بر همه روشن است که معروفیت قدیمی‌ترین دانشگاه ایرانی، یعنی دانشگاه جندی‌شاپور به دلیل آورده‌های فراوانی است

که تماماً ناشی از نهضت ترجمه‌ای است که در عصر طلایی خود بر پا کرد (ممتحن، ۱۳۵۵: ۳۲، ۳۴ و ۳۷)، اما در این اواخر ذهنیت اشتباهی از سوی برخی در جامعه شکل گرفته که ترجمه اعتبار تألیف را ندارد، بنابراین تکثیر بدون اجازه آن نیز عمل خلاف چندان زشتی نیست. کما اینکه در حال حاضر وزارت علوم برخی مجلات علمی پژوهشی را از چاپ ترجمه‌ها برحذر داشته است. در کلیه دانشگاه‌ها در سراسر کشور با تصمیم وزارت علوم امتیاز یک اثر ترجمه‌ای ولو اینکه در سطح عالی باشد به مراتب کمتر از یک اثر تألیفی معمولی که مبتنی بر گردآوری مطالب دیگران است، می‌باشد. قانون‌گذار دوراندیش با هدف زدودن چنین فضایی و با قصد تأکید بر اهمیت ترجمه و حقوق مترجم اقدام به تصریح آن در قانون خاص کرده است. کما اینکه راه تفسیر در جهت تأمین بیشتر و بهتر حقوق مترجمان به‌ویژه مترجمان ایرانی خارج از کشور را نیز گشوده است. برای نمونه، این پرسش که اگر مترجم ایرانی در خارج از کشور اقدام به ترجمه اثری خارجی و نشر آن در خارج از کشور نمود و سپس آن را در ایران منتشر کرد، آیا مترجم ایرانی مورد حمایت است یا خیر؟ پاسخ در چهارچوب قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ به دلیل نداشتن شرط نخستین انتشار در ایران (ماده ۲۲ قانون) منفی است. اما پاسخ در چهارچوب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مثبت است، چراکه شرط نخستین انتشار در این قانون نیامده است. به‌ویژه که وجود این شرط حتی در قانون مادر نیز در مورد مؤلفان ایرانی مورد انتقاد می‌باشد، اگر چه مادام که کشور به معاهده برن نپیوسته است در مورد مؤلفان خارجی وجود آن قابلیت توجیه دارد. در نتیجه باید گفت حمایت از اثر ترجمه‌ای و مؤلفان ترجمه (مترجمان) در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ با وجود قانون مصوب ۱۳۴۸ بی‌فایده و تکراری نیست.

در نظام‌های شخص‌محور همچون نظام حقوقی فرانسه حق ترجمه از زیر مجموعه‌های حق تکثیر محسوب می‌شود، چراکه ترجمه موجب تکثیر اثر می‌شود، هرچند به زبانی دیگر. از این رو، در برخی نظام‌ها نیازی به تصریح حق ترجمه اثر و حقوق مربوط به اثر ترجمه‌ای، نمی‌بینند و به طور کلی به بیان حق تکثیر اکتفا می‌کنند. با وجود این، برابر بند ۳ ماده ۱۱۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه، مؤلفان ترجمه، اقتباس، تبدیل یا تنظیم آثار فکری از حمایت مقرر در قانون بدون ایراد لطمه به حقوق مؤلف اثر اصلی، برخوردارند. در معاهده برن نیز بدان تصریح شده است، برابر ماده ۸ این معاهده «پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری تحت حمایت این معاهده در طول مدت حمایت از اثر اصلی از حق انحصاری ترجمه و اعطای اجازه ترجمه آثار خود برخوردارند.» و برابر بند ۲ ماده ۱۱ سوم معاهده «پدیدآورندگان آثار ادبی طی مدت برخوردارگی از حقوق اثر اصلی در مورد ترجمه آثارشان از حقوق مشابه برخوردارند» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۳۸ و ۵۴). همچنین، نگارندگان

معاهده برن با آگاهی کامل از نیاز کشورهای در حال توسعه به ترجمه آثار مؤلفان کشورهای پیشرفته با وضع پیوست معاهده برن در جهت تسهیل رفع نیاز کشورهای در حال توسعه با خارج کردن حق ترجمه و حق تکثیر اثر از حقوق انحصاری مؤلفان، کشورهای در حال توسعه را به صدور مجوز اجباری برای ترجمه و تکثیر آثار مؤلفان سایر کشورها مجاز کرده است. آورده اصلی این ماده در مقایسه با قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ جنبه تأکیدی آن بر حق تکثیر مؤلفان ترجمه و ممنوعیت نشر بدون اجازه آثار ترجمه‌ای در حوزه عمومی قرار گرفته و آثار ترجمه‌ای که اساساً فاقد شرط مورد نیاز جهت حمایت از حقوق مالی در قانون مادر است.

۲. ماده دوم

ماده ۲: «تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است.»

در صدر ماده ۲ قانون مصوب ۱۳۴۸، کتاب و هر نوشته‌ای مورد حمایت قانون اعلام شده است، بنابراین، کتاب و نشریه از موارد تصریح شده مورد حمایت در این قانون است. حق تکثیر اثر از شاخه‌های حقوق مالی مؤلف و از مهم‌ترین آن به شمار می‌رود که در قانون مادر بدان تصریح شده است (مواد ۳ و ۵ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸). بهره‌برداری از آن نیازمند تجهیز به ابزار فنی و آگاهی‌های خاص است که شکل دهنده حرفه تخصصی نشر شده است. از این رو مؤلفان با انعقاد قرارداد نشر، به تجویز ماده ۳ قانون مصوب ۱۳۴۸، بهره‌برداری از این حق را به ناشران واگذار می‌نمایند. در این صورت فقط ناشر مجاز به تکثیر اثر از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه می‌باشد، آن هم در محدوده شرایط قراردادی. تکثیر غیرمجاز اثر از طرف هر کس غیر ناشر قراردادی ممنوع و دارای مجازات ۶ ماه تا ۳ سال زندان است (ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸). قطعاً اگر تکثیر محدود به یک نسخه باشد و جنبه استفاده شخصی داشته باشد بر اساس ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۳۴۸ مجاز و جنبه استثنایی دارد هر چند تصور گرفتن نسخه خصوصی از طریق چاپ افست و عکسبرداری کمی مشکل است، اما غیرممکن نیست. همچنین است اگر عمل مشمول دیگر استثنای مقرر در قانون از جمله ماده ۷ (استثنای نقل)، ماده ۸ (استفاده کتابخانه‌ای) و ۱۰ (استفاده آموزشی) قرار گیرد.

ماده ۲ این قانون با توجه به مواد ۳ و ۵ قانون مصوب ۱۳۴۸ تکرار گفته‌های فوق است، بنابراین این سؤال مطرح می‌شود، همان طوری که در مورد ماده ۱ هم مطرح شد، که چرا قانون‌گذار تکرارگویی کرده است. به نظر می‌رسد هدف از تکرارگویی، اول جنبه تأکیدی آن است، دوم، در همین دوران است که پیشرفت فنی حاصله در زمینه چاپ امکان تکثیر گسترده از آثار را فراهم کرده و عمل تکثیر غیرقانونی

به‌ویژه از کتاب‌ها و نشریه‌ها و بخصوص نشریه‌های خارجی گسترش می‌یابد. قانون‌گذار با دغدغه‌ی جلوگیری از این نوع اعمال آن را با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار می‌دهد. سوم، هر چند برابر ماده ۶ همین قانون حمایت از برخی حقوق مؤلفان خارجی مشروط به وجود عهدنامه یا عمل متقابل شده است، اما صرف عمل بدون اجازه تکثیر کتب و نشریات به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی اعم از اینکه مؤلف و یا ناشر اثر ایرانی یا خارجی باشند، به دلیل غیراخلاقی بودن، ممنوع اعلام شده است. البته پذیرش دعوی مؤلف یا ناشر خارجی در تقاضای خسارات ناشی از نقض حق منوط به وجود عهدنامه یا عمل متقابل با کشور متبوع مؤلف یا ناشر خارجی است. عبارت «... به همان زبان و شکلی که چاپ شده ...» این برداشت را تأیید و تقویت می‌کند.

قابل توجه است که به‌رغم مشابهت کلی این ماده با موارد مشابه آن در قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، دارای تفاوت‌های خاص هم می‌باشد، از جمله اینکه به‌لحاظ ضمانت‌اجرا این ماده ضعیف‌تر از ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. همچنین به‌لحاظ موضوع که صرفاً به تکثیر کتاب‌ها و نشریه‌ها محدود است، در حالی که قانون مادر تکثیر غیرمجاز کلیه آثار علمی، ادبی و هنری را در بر می‌گیرد. ضمناً ابزار ارتکاب عمل ممنوعه در چهارچوب ماده ۲ طبقه‌های چاپ افست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه، یعنی ابزاری که موجب گرفتن تعداد کمی زیاد در زمان اندک می‌شود، را در بر می‌گیرد، در حالی که قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ گرفتن کمی به هر طریق از جمله ابزار دستی و دستگاه‌های غیرسریع را نیز شامل می‌شود. به علاوه، این ممنوعیت صرفاً ناظر به تکثیر کتب و نشریاتی که برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده‌اند، نمی‌شود بلکه کلیه این نوع آثار اعم از ترجمه‌ای و غیر آن، آثار مؤلفان ایرانی و خارجی و فارغ از این که مورد حمایت قانون مادر باشند یا خیر را در بر می‌گیرد.

در بخش پایانی ماده اشاره به صاحب حق شده است. کاملاً روشن است که مقصود در وهله اول خود مؤلف است. در حالتی که مؤلف در قید حیات بوده و خود اقدام به نشر کتاب نموده بدون واگذاری حق تکثیر یا حق استفاده از آن به ناشر، نامبرده صاحب حق است. در صورت فوت مؤلف، طی پنجاه سال از تاریخ فوت در صورت وجود شرایط پیش‌گفته وراثت صاحب حق می‌باشند. در حالتی که مؤلف یا پس از مرگ او وراثت با انعقاد قرارداد نشر حق تکثیر یا استفاده از آن را به ناشر منتقل کرده باشند، ناشر طی مهلت مجاز قراردادی صاحب حق و بنابراین مجاز به طرح دعوی عمل ممنوعه در ماده ۲ می‌باشد، و در صورت فوت مؤلف بدون وارث، وزارت فرهنگ دارای حق طی مهلت قانونی خواهد بود (ماده ۱۲ قانون مصوب ۱۳۴۸). آیا از این گفته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد

که تکثیر آثار در قلمرو عموم قرار گرفته آزاد و مشمول ماده ۲ نمی‌باشند. پاسخ منفی است، زیرا، قانون‌گذار موضوع ممنوعیت را به آثار مورد حمایت محدود نکرده است. وانگهی، هدف از وضع این ممنوعیت جلوگیری از عمل زشت کسانی است که بدون اجازه اقدام به چاپ آثار دیگران می‌کنند، خواه اثر مورد حمایت یا خارج از حمایت، خواه به زبان فارسی یا زبان خارجی باشد، خواه مؤلف ایرانی یا خارجی باشد. به طور قطع، در مواردی که اثر مورد حمایت است، صاحب حق با استناد به ماده ۲ این قانون یا مواد ۲۳ و ۲۴ قانون مصوب ۱۳۴۸ می‌تواند اقدام کند و در صورتی که اثر در قلمرو عموم قرار گرفته باشد با استناد به ماده ۲۶ قانون اخیر می‌توان گفت وزارت فرهنگ عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت. آورده اصلی این ماده در مقایسه با قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، ممنوعیت نشر آثار در حوزه عمومی قرار گرفته مؤلفان ایرانی و همچنین آثار مؤلفان خارجی است.

۳. ماده سوم

ماده ۳: «نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آن برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هر گونه پخش دیگر نیز خواهد بود.»

همان طوری که در مقدمه بیان شد، قانون‌گذار تحت تأثیر فضای بین‌المللی حاکم پس از وضع معاهده رم در حمایت از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی مصوب ۱۹۶۱ و همین‌طور معاهده حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی مصوب ۱۹۷۱ ژنو، با هدف اصلی حمایت از ذی‌نفعان معاهده‌های نام برده شده، یعنی هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی، که معروفیت دارند به افراد حقوق مجاور، اقدام به وضع قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ می‌نماید. قانون‌گذار در وضع قانون مادر، یعنی قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ که ملهم از معاهده برن و به ویژه قانون حق مؤلف ۱۹۵۷ فرانسه است، بسیار موفق عمل کرده، به طوری که در برخی موارد دوراندیش‌تر از قانون الهام‌بخش ظاهر شده است (نک: محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۶۸ به بعد). اما برخلاف این وضعیت، در وضع حقوق مجاور که موضوع اصلی این قانون را تشکیل می‌دهد جای گلایه‌مندی‌های متعدد است. اول، برخی از مؤلفان (مؤلفان ترجمه) را به طور تکراری در کنار افراد حقوق مجاور (هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی) مورد حمایت قرار داده است، خلط دو مبحث متفاوت با

یکدیگر. دوم، برخلاف معاهده رم مصوب ۱۹۶۱ حمایت از حامل صوتی را مشروط به در بر داشتن آثار صوتی کرده و در واقع خلط بین اثر صوتی و حامل صوتی صورت گرفته است. سوم، آیین نگارش قانون ایجاب می‌کند، برای مثال در خصوص حقوق مجاور، در ابتدا ذی‌نفعان حمایت که عبارتند از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و همچنین موارد مورد حمایت برای این ذی‌نفعان که عبارتند از اجراها برای هنرمند-مجری، حامل‌های صوتی برای تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و برنامه‌ها برای سازمان‌های پخش رادیویی، نیز تعریف شوند و سپس میزان و نوع حمایت با تعیین مدت و ضمانت اجرا به روشنی بیان گردد. در حالی که قانون‌گذار بدون ارائه تعریفی از افراد ذی‌نفع و موارد مورد حمایت و تعیین مدت حمایت به‌طور جسته‌گریخته و گاهی مبهم و رفتاری عجولانه درصدد حمایت از اشخاص حقوق مجاور بر آمده است.

برای فهم بهتر این ماده لازم است یادآوری شود که مؤلفان نسبت به آثار خود از یک سری حقوق مالی و معنوی برخوردارند (کلمبه، ۱۳۹۰: ۷۱ و بعدی). در زمینه حقوق مالی به ویژه از حق تکثیر و حق عرضه اثر خود برخوردارند. به منظور بهره‌برداری بهینه از این حقوق مؤلفان به‌طور قراردادی آن را به اهل فن واگذار می‌کنند. در همین راستا حق عرضه اثر در قالب قرارداد عرضه از طرف مؤلف به هنرمند-مجری واگذار می‌شود. بدین ترتیب هنرمند-مجری اقدام به عرضه و اجرای اثر می‌نماید. در این مرحله هنرمند-مجری مالک اجرای اثر است و هر گونه استفاده از اجرا منوط به اجازه از هنرمند-مجری است. معمولاً هنرمندان-مجری به دلایل متعدد حقوق مربوط به اجرای خود را در قالب قرارداد تولید حامل صوتی به یک تولیدکننده حامل صوتی واگذار می‌کنند. با تولید حامل صوتی که به روی آن اصولاً اجراهای هنرمندان ضبط شده است، حقوق انحصاری حامل، یعنی حقوق تمامی آنچه به روی حامل ضبط شده است به تولیدکننده حامل صوتی تعلق می‌گیرد. البته هر قرارداد تابع شرایط خاص خود است، اما در اکثریت موارد بر این منوال است.

برنامه‌های سازمان‌های پخش رادیویی بسیار متنوع می‌باشند و عموماً مجموعه‌ای از یک یا چند اجرا، یک یا چند اثر و یک یا چند یا بخشی از محتوای یک حامل را در بر می‌گیرند. بنابراین، تولید یک برنامه رادیویی مستلزم این است که تولیدکننده برنامه اقدام به انعقاد قراردادهای متعدد و متنوع با هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و همچنین مؤلف یا مؤلفان نماید. با تولید چنین برنامه‌ای سازمان پخش رادیویی دارای حقوق انحصاری نسبت به برنامه تولید شده می‌باشد. هر گونه استفاده از چنین برنامه‌ای یا بخشی از آن نیازمند کسب اجازه از سازمان پخش رادیویی مربوط است. قانون‌گذار در این ماده صفحه یا نوار یا هر وسیله مشابه دیگر را که به روی آن آثار صوتی ضبط شده باشد و به عبارت دیگر حامل‌های صوتی که حاوی صوت ناشی از آثار باشند را به نفع

تولیدکنندگان انحصاری و صاحبان حق مورد حمایت قرار می‌دهد. به بیان دیگر، حامل صوتی که در بردارنده صداهای ناشی از غیر آثار باشد، برای مثال حاوی صداهای طبیعی، مثل صدای پرندگان و غیره باشد را مورد حمایت قرار نمی‌دهد. در حالی که برابر معاهده رم ۱۹۶۱، حامل‌های صوتی اعم از اینکه حاوی صداهای ناشی از اجرای آثار و غیر آثار باشند به نفع تولیدکننده مورد حمایت‌اند (محمدزاده و ادقانی و لبافیان طوسی، ۱۳۹۹: ۲۱ و ۱۱۲). این حمایت، برابر ماده ۳ به نفع تولیدکننده و صاحبان حق است. همان طوری که در مقدمه بحث گفته شد با انعقاد قرارداد تولید حامل صوتی بین هنرمندان-مجری و تولیدکننده، حقوق مالی مربوط به اجرای هنرمند-مجری به تولیدکننده واگذار می‌شود، بدین ترتیب حق تکثیر و عرضه حامل صوتی در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرد و جهت هر نوع استفاده از حامل صوتی رضایت تولیدکننده شرط است و نه شخصی دیگر، مگر اینکه در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. مقصود قانون‌گذار از بیان صاحبان حق ناظر به وضعیت‌های متنوع قراردادی است که حقوق مربوط به اجرای هنرمندان به تولیدکننده به طور کامل واگذار نشود، که در این صورت حق بهره‌برداری از حامل در اختیار جمع هنرمندان-مجری دارای اجرا به روی حامل صوتی و تولیدکننده خواهد بود.

قانون‌گذار در بخش پایانی ماده، نسخه‌برداری از ضبط یا تکثیر برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر را بدون اجازه صاحبان حق ممنوع اعلام می‌دارد. همان طوری که پیش‌تر گفته شد شخص ذی‌نفع در خصوص پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی، سازمان پخش‌کننده است. برابر معاهده رم مصوب ۱۹۶۱ سازمان پخش رادیویی صاحب حق نسبت به برنامه‌های پخش شده است. اما قانون‌گذار از جهت موضوع مورد حمایت از معاهده رم فراتر رفته نه تنها برنامه‌های رادیو تلویزیونی را مورد حمایت قرار داده، بلکه این حمایت را به هر آنچه توسط سازمان پخش می‌شود تسری داده است. قانون‌گذار در مقابل این پرسش که چه کسی مورد حمایت است به طور صریح سازمان پخش را نام نبرده است، اگر چه قصد و نظر بر حمایت از وی بوده است. به هر حال دست‌کم سازمان پخش در صورت تولید برنامه و پخش آن با عنوان تولیدکننده حامل صوتی بخشی از برنامه یا تمام آن مورد حمایت است. در این حالت، در صورتی که تولیدکننده موارد پخش، خواه برنامه و یا غیر برنامه، سازمان پخش نباشد، وی مورد حمایت نخواهد بود. در نتیجه باید گفت، حمایت مقرر در این قانون در خصوص گروه‌های حقوق مجاور صرفاً شامل دو دسته اول، یعنی هنرمندان-مجری و تولیدکنندگان حامل‌های صوتی است. سازمان‌های پخش صرفاً در صورت دارا بودن شرایط تولیدکنندگی تحت این عنوان می‌توانند مورد حمایت قرار گیرند. با این ترتیب هر آنچه توسط سازمان پخش شود مورد حمایت نخواهد بود مگر اینکه موارد پخش حاوی آثار صوتی تولید خود سازمان

باشد. البته، همان طوری که پیش تر گفته شد سیاق عبارت قانونی و وضعیت ملی و بین‌المللی در زمان وضع قانون همگی حکایت از هدف قانون‌گذار در قائل شدن حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی درباره برنامه‌های آنان است.

این ماده دارای ابهام و ایراد است. ابهام از این جهت که از صاحبان حق به ویژه از هنرمندان-مجری با صراحت نام نبرده و آن را تعریف نکرده است. دارای این ایراد است که با ذکر نکردن مدت حمایت، حمایت از افراد حقوق مجاور که در معاهدات رم و حامل‌های صوتی همچون قوانین ملی بسیاری از کشورها محدود به بیست سال شده است، یعنی به مراتب کمتر از مدت حمایت از آثار برای مؤلفان، به‌طور نامحدود مورد حمایت قرار داده است. در عین حال این ماده با لحاظ بند ۲ ماده ۷ قانون که با توجه به معاهده حامل‌های صوتی وضع شده است، نسبت به معاهده رم دارای این آورده بزرگ است که فروش، واردات و صادرات حامل‌های تقلبی را ممنوع و مجرمانه تلقی کرده است.

شایان گفتن است که عمده دلیل وضع معاهده حامل‌های صوتی مصوب ۱۹۷۱ ژنو به دلیل سکوت معاهده رم درباره توزیع، صادرات و واردات و فروش حامل‌های صوتی غیرمجاز و متقلبانه بود که اگر جدا از عمل تکثیر صورت گیرند، معاهده رم در مقابل این اعمال قابلیت اعمال نداشت، این نقص با وضع معاهده حامل‌ها بر طرف شد (محمدزاده وادقانی و لباغیان طوسی، ۱۳۹۹: ۱۱۸). قانون‌گذار ایرانی عمل صادرات و واردات حامل‌های صوتی متقلبانه را بر اساس بند ۲ ماده ۷ ممنوع و مجرمانه اعلام کرده است، و در ماده ۳ کلمه فروش را نیز به کار برده است، چنانچه استنباط از این کلمه صرفاً ناظر به جنبه تجاری داشتن عمل نباشد و ناظر به عمل فروش حامل‌ها باشد، در این صورت قانون آورده‌های عمده معاهده حامل‌های صوتی را به نفع هنرمندان-مجری و تولیدکنندگان به رسمیت شناخته است. با وجود این، از جهت خلط آثار صوتی و حامل‌های صوتی و نبود تصریح قانونی از جهت مدت حمایت موضوعات حقوق مجاور و نبود تعریف قانونی درباره افراد ذی‌نفع و فراموشی تصریح بر حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی مورد ایراد می‌باشد.

۴. ماده چهارم

ماده ۴: «صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی P در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد.»

این مقرر عیناً برگرفته و چکیده ماده ۱۱ معاهده رم مصوب ۱۹۶۱ است که آن هم ملهم از ماده

۳ معاهده جهانی حق مؤلف مصوب ۱۹۵۲ ژنو است.^۱ همان طوری که درباره ماده ۱۱ معاهده رم مصوب ۱۹۶۱ گفته می‌شود (محمدزاده وادقانی، لبافیان طوسی، ۱۳۹۹: ۵۸)، معاهده رم جهت جلب مشارکت تعداد بیشتر کشورها از جمله کشورهایی که شرط حمایت را انجام تشریفات خاص می‌دانند، با هدف تسهیل حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی سایر کشورها در این دسته از کشورها و بالعکس مقرر می‌دارد که چنانچه به روی هر نسخه یا جلد یا پاکت هر نسخه حرف p که اولین حرف کلمه فونوگرام (Phonogram) است در داخل دایره همراه با تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده قید شود، حمایت به‌طور خودکار صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر به تشریفات جنبه صوری می‌دهد و اصل حمایت بدون تشریفات را می‌پذیرد.

ماده ۴ به تقلید از ماده ۱۱ رم، اصل حمایت بدون تشریفات را در مورد حامل‌های صوتی برای تولیدکنندگان ملی و برای تولیدکنندگان خارجی با لحاظ ماده ۶ قانون مقرر می‌دارد، حال که اصل بر حمایت بدون تشریفات است، پرسشی ناظر به حالت نادر مطرح می‌شود، اگر صفحه‌ای بدون علامت P در داخل دایره و بدون تاریخ انتشار و بدون نام و نشانی تولیدکننده وارد بازار شود آیا تولیدکننده مورد حمایت است یا خیر؟

شیوه نگارش آمرانه ماده ۴ حکایت از نگاه کامن‌لایی قانون‌گذار در وضع ماده دارد. همان طوری که آشکار است در نظام‌های شخص‌محور از جمله ایران و فرانسه و نظام بین‌المللی حق مؤلف از جمله معاهده برن و معاهده رم تشریفات شرط حمایت نیست، و در حال حاضر در سطح جهان کمتر کشوری است که در آن تشریفات شرط حمایت از اثر و حامل‌های صوتی باشد. اما نصب قید شرط به روی حفاظ، لفاف، کیسه یا کاست در سطح تمامی کشورها جنبه متداول پیدا کرده است، همان‌گونه که نصب علامت © در مبحث حق مؤلف رایج شده است. با وجود این، باید یادآوری کرد که معاهده رم به‌هیچ‌وجه به نظام تشریفات جنبه اجباری نداده است. در گزارش کلی مذاکرت معاهده آمده است، که ماده ۱۱ معاهده کشورهای متعاقد را به وضع تشریفات در قانون ملی در

۱. ماده ۵ معاهده حامل‌های صوتی مصوب ۱۹۷۱ ژنو، همانند ماده ۱۱ معاهده رم و ماده ۳ معاهده جهانی مقرر داشته: «اگر کشور متعاقد بر اساس قانون ملی انجام تشریفات را شرط حمایت تولیدکنندگان حامل‌های صوتی بداند، چنانچه کلیه نسخه‌های تکثیری مجاز حامل‌های صوتی در بین عموم توزیع شده یا روی جلد آن‌ها علامت © همراه با سال نخستین انتشار و قید «حقوق محفوظ است» به روشنی قرار گرفته باشد، شرایط حاصل شده تلقی می‌شوند. اگر نسخه‌های تکثیری یا جلد آن‌ها موجب شناسایی تولیدکننده، قائم مقام وی یا دارنده مجوز انحصاری (با نام، علامت یا هر نشان دیگر) نشود، قید باید شامل نام تولیدکننده، قائم مقام او یا دارنده مجوز انحصاری باشد.»

حمایت از هنرمندان-مجری یا تولیدکنندگان حامل‌های صوتی ملزم نمی‌کند. همچنین اتفاق نظر وجود داشته که در کشورهایی که در آن‌ها تشریفات شرط حمایت نیست، حمایت معاهده‌ای حتی اگر حامل صوتی در بردارنده قید خاصی همراه با علامت © نباشد، باید اعطا شود (محمدزاده وادقانی و لباغیان طوسی، ۱۳۹۹: ۵۹).

اعمال راه حل اشاره شده در معاهده رم در حقوق داخلی نیز صادق و به طور کامل پذیرفته است. هرچند احتمال اظهارنظر خلاف با تکیه بر الفاظ قانونی نیز می‌رود، که در این صورت حامل صوتی همچون مال بلاصاحب و در ملکیت عموم قرار گرفته بی‌بهره از حمایت قانونی، بهره‌برداری از آن توسط عموم آزاد است. یکی دیگر از ایرادات وارده بر ماده ۴ و قانون مورد بررسی این است که با قائل شدن حمایت برای هنرمندان-مجری و تولیدکنندگان و سازمان‌های پخش درباره حامل‌های صوتی، مدت حمایت و نقطه شروع آن به سکوت برگزار شده است. در این صورت راه‌حل منطقی، عبارت است از اعمال آنچه در معاهده رم آمده است و در سایر کشورها در وضع قانون داخلی تعیین کرده‌اند، یعنی مدت بیست سال از تاریخ انتشار حامل یا تاریخ تثبیت آن. زیرا به دلیل اثر نبودن حامل صوتی مشمول قانون مادر نمی‌تواند قرار گیرد، به ویژه که قائل شدن مدت مقرر در قانون مادر برای حامل‌ها بسیار طولانی است و مضر برای جامعه، حمایت دائمی آن نیز به همین دلیل پذیرفته نیست.

حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، همان طوری که در معاهده رم و قوانین سایر کشورها از جمله فرانسه (بند ۱ ماده ۲۱۳-۱ قانون مالکیت فکری فرانسه) آمده است، این است که تولیدکننده ابتکار تثبیت صدای اثر فکری یا سایر صداها را برای نخستین مرتبه انجام داده باشد، امری که قانون‌گذار به سکوت برگزار کرده است. به عبارت دیگر، چنانچه محتوای حامل حاصل پخش رادیویی یا کپی حامل صوتی باشد که دیگری قبلاً تثبیت کرده، به هیچ‌وجه چنین تولیدکننده‌ای مورد حمایت نخواهد بود. همچنین است اگر تولید حامل هرچند برای اولین مرتبه باشد اما بدون اجازه هنرمند-مجری صورت گرفته باشد (ماری کرونو و سایرین، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

در نتیجه باید گفت ایراد بزرگ این ماده مثل ماده پیشین علاوه بر ندادن تعریفی مشخص از ذی‌نفعان حقوق مجاور و مدت حمایت و خلط اثر صوتی با حامل صوتی نداشتن تصریح به نخستین تثبیت است که شرط اصلی حمایت از تولیدکنندگان حامل‌های صوتی است.

۵. ماده پنجم

ماده ۵: «تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه‌برداری از آن‌ها به تصویب وزارت فرهنگ و هنر رسیده باشد.

تبصره: نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد بلامانع است.»

قانون پس از اختصاص حق انحصاری تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و حامل‌های صوتی و برنامه‌ها و هر گونه پخش رادیو و تلویزیون برای صاحبان حق طی مواد ۲ و ۳، به تبعیت از معاهده برن و رم و قوانین نظام‌های شخص‌محور و در راستای قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، آن را مشمول استثنای قرار می‌دهد. در ابتدا، ماده قانونی استثنای آموزشی و سپس طی تبصره آن استثنای استفاده شخصی را مطرح می‌کند، همان طوری که در قانون مصوب ۱۳۴۸ در مواد ۱۰ و ۱۱ بر این استثنای تصریح شده است، این موارد به‌طور گسترده در سایر نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده‌اند. قانون‌گذار استفاده آموزشی یا تحقیقی را مشروط به اینکه جنبه تجاری نداشته و به تصویب وزارت آموزش و پرورش رسیده باشد، قرار داده است. طرح صریح و روشن استثنای آموزشی یا پژوهشی از آورده‌های مهم این قانون نسبت به قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. زیرا در قانون مادر استثنای آموزشی در ماده ۱۰ آن قانون به صورت نارسا مطرح شده است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۷۷). برعکس، نقطه قوت قانون مادر نسبت به قانون خاص، طرح استثنای نقل است که در این قانون به فراموشی سپرده شده است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۷۶).

۶. ماده ششم

ماده ۶: «در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت‌های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است.»

این ماده پاسخ این پرسش است که آیا حمایت‌های مقرر در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ شامل مؤلفان، هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و برنامه‌های رادیو تلویزیونی اتباع سایر کشورها نیز می‌شود یا خیر؟ به تصریح ماده ۶ به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل حمایت نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است. به عبارت دیگر، در صورت فراهم بودن شرط، مؤلفان خارجی و دارندگان حقوق نسبت به کتاب‌ها و نشریات از جهت نشر آثار یادشده مورد حمایت‌اند. بنابراین از جهت حقوق مؤلف در حالت کلی این مؤلفان مشمول قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌باشند. با این توضیح که جهت حمایت مؤلفان خارجی به لحاظ حق عرضه لازم است که شرایط مقرر در قانون مادر از جمله شرط اولین انتشار در ایران (ماده ۲۲ قانون مصوب ۱۳۴۸) را داشته باشند، که در این حالت از کلیه حقوق مالی مؤلف از جمله حق عرضه و تکثیر اثر نیز برخوردار می‌باشند، در غیر این صورت حمایت قانون

مادر منتفی می‌باشد. به بیان دیگر، این دو قانون هر یک از جهت شرایط حمایت وضعیتی متفاوت دارند، همان طوری که در مورد آثار ترجمه‌ای موضوع ماده ۱ همین قانون نیز سخن از آن رفت. مؤلفان خارجی در صورتی مشمول حمایت قانون مصوب ۱۳۴۸ می‌شوند که اثر خود را برای نخستین بار در ایران چاپ، نشر و یا اجرا کرده باشند و در صورتی مشمول حمایت مقرر در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ می‌شوند که بین کشور متبوع آن‌ها با ایران عهدنامه یا معامله متقابل وجود داشته باشد. در مورد آخر، یعنی همین قانون، اظهار نظر در اضافه نمودن شرط نخستین انتشار مقرر در قانون مادر به شرط معامله متقابل یا وجود عهدنامه درست نیست، زیرا که به ویژه منتهی به ضرر مؤلفان می‌شود.

همان طوری که پیش‌تر نیز اشاره شد، مقصود قانون‌گذار از آثار صوتی حامل‌های صوتی یا ضبط‌های صوتی است. پس حامل‌های صوتی اتباع خارجی در ایران به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل مورد حمایت‌اند، علی‌القاعده آثار هنری از جمله اثر صوتی همچون آثار ادبی از جهت حمایت مشمول قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. ویژگی اثر صوتی به گونه‌ای است که نیازمند اجرای هنرمند-مجری است. اجرا در اثر صوتی دارای چنان اهمیتی است که در جهت تأکید بر آن شاید بهتر این باشد که اجرای صوتی اثر نامیده شود. در حالت کلی وقتی اثری با رضایت مؤلف به اجرا درآمد از آن پس حقوق هنرمند-مجری نسبت به اجرا مطرح است و اگر از مؤلف نام برده می‌شود بیشتر به لحاظ رعایت حقوق معنوی است تا مالی. بنابراین، در آثار صوتی و همین‌طور آثار صوتی تصویری بر خلاف دیگر انواع آثار فکری که در آن‌ها صرفاً حق مؤلف مطرح است، طبع این نوع آثار ایجاب می‌کند که حقوق هنرمند-مجری نیز مطرح گردد. تثبیت اجرا نیز می‌تواند به ابتکار خود هنرمند-مجری نیز صورت گیرد و یا در چهارچوب قرارداد تولید حامل صوتی به تولیدکننده واگذار شود. در صورت اول، هنرمند-مجری مالک اثر و حامل صوتی و در حالت دوم، تولیدکننده مالک حامل صوتی است. البته ممکن است در صورت اول حسب نوع اثر صوتی حق مؤلف نیز مطرح باشد، به عنوان مثال اثر صوتی نیازمند دخالت تنظیم‌کننده باشد. در نتیجه در مورد آثار صوتی باید گفت صاحبان حق حسب مورد مؤلفان، هنرمندان-مجری یا تولیدکنندگان می‌باشند، و حمایت از مؤلفان خارجی مشروط به رعایت ماده ۲۲ قانون مصوب ۱۳۴۸ و حمایت از هنرمندان-مجری خارجی و تولیدکنندگان خارجی منوط به وجود شرایط مقرر در ماده ۶ مورد بحث است.

خلاصه کلام، اگر بخواهیم به تفکیک از موضوع‌های مورد حمایت ماده ۶ قانون سخن بگوییم، اول درباره کتب و نشریات باید گفت، چنانچه این آثار به عنوان اثری ادبی هنری مورد حمایت قانون

مصوب ۱۳۴۸ نباشند، خواه به این دلیل که مدت حمایت آن سپری شده یا اساساً مشمول حمایت قانون مادر نبوده است، یا به دلیل خارجی بودن مؤلف و ناشر مبتنی بر استدلالی خاص که محروم از حمایت می‌باشند، در تمامی این موارد تکثیر این آثار بدون اجازه صاحب حق برابر ماده ۲ قانون ممنوع است. برابر همین ماده، در صورتی که مؤلفان و صاحبان حقوق، خارجی باشند به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل مجاز به طرح دعوی ممنوعیت نشر در دادگاه‌های داخلی و ادعای خسارات وارده از این بابت می‌باشند، بدون اینکه از حقوق مؤلف برخوردار باشند. در فرض برخورداری از حمایت قانون مادر، در کلیه موارد یاد شده، مؤلف و دارندگان حق مؤلف، بی‌نیاز از استناد به این ماده بوده و بر اساس قانون مادر مجاز به جلوگیری از نقض حقوق خود از جمله نشر بدون اجازه اثر خواهند بود.

دوم، درباره حامل‌های صوتی که قانون‌گذار در اثر سهل‌انگاری یا خلط مبحث با عنوان اثر صوتی از آن یاد کرده است، باید گفت در وضعیت موجود به نفع تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آنان یا صاحبان حق شامل مؤلفان و هنرمندان-مجری، به دلیل نبود محدودیت زمانی در قانون همواره مورد حمایت بوده و تکثیر و نسخه‌برداری بدون اجازه آنان برابر ماده ۷ قانون ممنوع و جرم محسوب می‌شود. در صورتی که تولیدکننده یا صاحبان حقوق حامل صوتی خارجی باشند به شرط عمل متقابل یا وجود عهدنامه با کشور متبوع شخص خارجی، طی مدت مقرر در عهدنامه و یا مدت مقرر در قوانین کشور خارجی مربوطه درباره حمایت از حامل‌های صوتی که عموماً بیست سال از تاریخ نخستین انتشار محسوب می‌شود، در ایران نیز مورد حمایت خواهند بود. بنابراین، تولیدکنندگان انحصاری خارجی حامل‌های صوتی و یا صاحبان حقوق این نوع حامل‌ها که برخوردار از شرط مقرر در ماده ۶ می‌باشند، چنانچه حامل‌ها در ایران بدون اجازه آنان مورد تکثیر و یا واردات در کشور قرار گیرد، مورد حمایت قانون بوده و می‌توانند با استفاده از ماده ۷ قانون از عمل غیرمجاز جلوگیری کرده، با درخواست غرامت خواستار محکومیت کیفری آنان شوند. در هر دو صورت بالا، یعنی خواه حامل صوتی دارای منشأ ملی یا خارجی باشد، به دلیل نبود تصریح قانونی، عرضه آن به هر شکلی، شامل پخش رادیویی، پخش با وسایل باسیم و یا پخش در مکان‌های قابل دسترس برای عموم آزاد است، بنابراین تولیدکنندگان و صاحبان حقوق در حامل‌ها در برابر چنین اقداماتی باید نظاره‌گر باشند.

۷. ماده هفتم

ماده ۷: «اشخاصی که عالمأ و عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد:

کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند.

کسانی که اشیاء مذکور در ماده ۳ را که به طور غیرمجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند.»

سؤالات متعددی درباره این ماده مطرح می‌شود، از جمله اینکه این جرم ساده است یا مرکب، در صورتی که آمر شخصی غیر از ناشر باشد، در این صورت مسئولیت آمر و ناشر چگونه است؟ از جهت نگارش، این ماده از جهاتی قابل مقایسه با مواد ۲۳ و ۲۵ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌باشد. درباره مواد اخیر استنباط این بود که جرائم موضوع ماده ۲۵ قانون اخیر مرکب است و با انجام تغییرات و نشر آن جرم محقق می‌شود و مرتکبان هر یک از این رفتارها نقش شراکت در جرم را داشته و حسب مورد، معاون یا شریک در جرم محسوب می‌شوند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۹۴). اما جرم موضوع ماده ۲۳ قانون اخیر الذکر ساده و با ارتکاب عمل مادی محقق می‌گردد. سوءنیت در نقض حقوق مالی مفروض و اثبات خلاف بر عهده ناقض است اما اثبات سوءنیت در مورد نقض حقوق معنوی و هم‌دستان مرتکب نقض حقوق مالی لازم است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۸۸).

با توجه به برداشتی که از مواد ۱ و ۲ قانون ارائه شد، آورده این مواد درباره مترجم در مقایسه با قانون مصوب ۱۳۴۸ محدود است به ممنوعیت نشر بدون اجازه آثار ترجمه‌ای که در قلمرو عموم قرار گرفته‌اند و نیز ممنوعیت نشر بدون اجازه کتب و نشریاتی که در حوزه عمومی قرار گرفته‌اند، همچنین برابر ماده ۳، ممنوعیت نشر بدون اجازه حامل‌های صوتی و برنامه‌های تلویزیونی یا هرگونه پخش دیگر. این اعمال، برخلاف نقض حق تکثیر اثر مورد حمایت موضوع ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ که با ارتکاب عمل مادی، سوءنیت در نقض حقوق مالی مفروض بود و اثبات خلاف آن به‌عهده ناقض است، در اینجا تحقق عنصر معنوی جرم با اثبات علم و اطلاع ناقض از عمل ممنوعه و قصد انجام آن، توسط شاکی ممکن می‌گردد. این جرم از نوع جرائم ساده است، مرتکبین اعم از آمر و ناشر با توجه به وجود یا نبود علم و اطلاع هر یک از عمل ناقض حسب مورد، معاون یا شریک در جرم محسوب می‌شوند (مستنبط از ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی). به تصریح ماده ناقض ملزم به جبران خسارات ناشی از عمل ناقض می‌باشد. تعیین خسارات وارده از جهت نوع، میزان و نحوه ارزیابی به‌عهده دادگاه‌ها است. برابر بند ۲ ماده ۷، عمل صادرات و واردات حامل‌های صوتی غیرمجاز، که نقض بزرگ معاهده رم به دلیل سکوت درباره آن به حساب می‌آید و از آورده‌های عمده معاهده حامل‌های صوتی به شمار می‌رود، در اینجا جرم تلقی شده است. با وجود این، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا فروش این حامل‌ها

نیز به عنوان عمل مستقل برابر ماده ۷ جرم است؟ برابر ماده ۳ قانون، تکثیر غیرمجاز حامل‌های صوتی برای فروش ممنوع اعلام شده است. در معاهده حامل‌های صوتی و اکثر نظام‌های ملی عمل فروش به صورت مستقل جرم اعلام شده است. با وجود این، ماده ۳ به طور روشن و شفاف این مفهوم را نمی‌رساند، هر چند امکان برداشت از آن را دارد. برداشت دیگر این است که قانون‌گذار به منظور تمیز تکثیری که جنبه شخصی و خصوصی دارد (موضوع تبصره ماده ۵) از تکثیری که جنبه تجاری دارد کلمه فروش را به کار برده است. با توجه به اهداف وضع قانون جمع هر دو برداشت ارجح به نظر می‌رسد، که تعیین آن به‌عهدۀ رویه قضایی است.

شاکای خصوصی در نقض ماده ۳، صاحبان حق از جمله هنرمندان-مجری یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آنان می‌باشد، و در نقض مواد ۱ و ۲ با توجه به برداشت ارائه شده از موضوع این مواد که عبارت است از تکثیر بدون اجازه آثاری که در قلمرو عموم قرار گرفته‌اند، تا زمان تعیین تکلیف درباره طیف گسترده و متنوع آثار مشمول این حوزه از سوی قانون‌گذار، از این حیث پیشنهاد مطرح شده به مناسبت ماده ۲۶ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌تواند راهگشا باشد (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۹۵). یعنی اثر مورد نقض همچون اثر مورد حمایت تلقی شود، به بیان دیگر، در صورت حیات مؤلف، نامبرده و در صورت فوت مؤلف طی پنجاه سال وراث و پس از آن وزارت ارشاد پاسدار حقوق صاحبان حق شامل مترجمان، مؤلفان، هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش خواهد بود. این جرم برابر ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از درجه ۶ محسوب شده و مشمول مجازات‌های تکمیلی مقرر در ماده ۲۳ همان قانون و نیز مجازات تبعی برابر بند پ ماده ۲۵ قانون یاده شده خواهد بود.

۸. ماده هشتم

ماده ۸: «هر گاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکای خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می‌شود.»

این ماده عیناً تکرار ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌باشد. برابر این ماده چنانچه مرتکب یکی از جرائم مقرر در قانون شخص حقوقی باشد، در وهله اول، جبران خسارت وارده به‌عهدۀ شخص حقوقی است و در وهله دوم در صورتی که اموال شخص حقوقی تکافو نکند به‌عهدۀ شخص حقیقی تصمیم‌گیرنده خواهد بود. علاوه بر این، برابر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص حقوقی مرتکب جرم در مواردی نیز دارای مسئولیت

کیفری است. برابر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی «در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

بحث است در مورد اینکه نماینده قانونی شخص حقوقی کیست (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۴)، همچنین در مورد اینکه تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی منوط است به اینکه نماینده قانونی به نام شخص حقوقی یا در راستای منافع آن عمل کند، و یا اینکه باید به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن عمل کند (شریفی، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

یافته‌های بحث به مناسبت ماده ۲۸ قانون مصوب ۱۳۴۸ این است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مشروط به دو شرط است. اول اینکه عمل مجرمانه توسط نماینده قانونی شخص حقوقی صورت گیرد، دوم، عمل به نام و در راستای منافع شخص حقوقی صورت گیرد. در این صورت با وجود این دو شرط و ارتکاب بزه‌های مقرر در قانون، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۹۶). البته تعیین نماینده شخص حقوقی به ویژه در شرکت‌های تجاری نیز مورد اتفاق نظر نیست. به نظر بعضی از پژوهشگران «منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی هر شخص حقیقی است که انجام کاری از سوی آن شخص حقوقی به او واگذار شده باشد، اعم از اینکه در چهارچوب مقررات قانون تجارت واجد این وصف و عنوان باشد یا بر اساس نظریه و قاعده نمایندگی در قانون مدنی بتوان او را نماینده شخص حقوقی به شمار آورد» (منصورآبادی، ۱۳۹۸: ۳۲۶). برابر این نظر هر یک از اعضای مجمع عمومی، مدیران، بازرسان، کارمندان و نیز هر شخص دیگری می‌تواند بر حسب مورد نماینده قانونی شرکت تجاری محسوب شود (منصورآبادی، ۱۳۹۸: ۳۲۵). این استدلال، به‌رغم در برداشتن آثار اجتماعی مثبت مواجه با مانع بزرگ اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و تفسیر متون جزایی در موارد تردید به نفع متهم می‌باشد. در این باره ماده ۱۲۵ قانون اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر داشته که مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.

۹. ماده نهم

ماده ۹: «مراجع قضایی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع شکایت و ضبط آن تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.»

این ماده کاملاً مشابه ماده ۲۹ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ تنظیم شده است، تنها با این تفاوت که ماده ۹ برای مراجع قضایی جنبه تکلیفی دارد و ماده ۲۹ قانون مصوب ۱۳۴۸ جنبه اختیاری.

این ماده در راستای ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که قاضی رسیدگی‌کننده و قاضی تحقیق را موظف به توقیف اشیاء و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم هستند، می‌نماید.

به طور قطع، چنانچه دعوای مدنی جبران خسارات ناشی از تکثیر غیرمجاز اثر در دادگاه حقوقی مطرح باشد، با تقاضای مدعی خصوصی دادگاه مکلف به صدور دستور موقت برابر مواد ۳۱۰ و بعدی قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع دعوی و توقیف آن می‌باشد. بنابراین، صدور این دستور هم از سوی دادگاه حقوقی و هم از سوی مرجع کیفری و به تعبیر قانون‌گذار از سوی مراجع قضایی مقدور است. وجود این مقرر در زمینه حقوق مجاور تصریح و تأکیدی است بر امتیازی که برابر قواعد حاکم در حقوق آیین دادرسی مدنی و کیفری برای شخص زیان‌دیده از بزه مقرر شده است.

۱۰. ماده دهم

ماده ۱۰: «احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایت‌های مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود.»

ماده ۱۰ تأییدی است بر برداشت ارائه شده از ماده ۱۱ قانون که در ادامه ملاحظه می‌شود. قانون‌گذار در وضع حقوق مجاور با آگاهی از طرح برخی آثار، در جوار موضوع‌های حقوق مجاور پیش از تعیین موقعیت هر یک از این دو نسبت به یکدیگر در ماده ۱۱، حاکمیت قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ بر کلیه آثار را مورد تأکید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، به تصریح این ماده، احکام مقرر در این قانون در خصوص آثار موضوع این قانون موقعی حاکم است که این آثار مشمول قانون مصوب ۱۳۴۸ نشوند، در غیر این صورت قانون آخر حاکم خواهد بود. برای مثال اثر ترجمه‌ای موضوعی است که در هر دو قانون مورد حمایت قرار گرفته است با این تفاوت که در این قانون فقط حق تکثیر مؤلف ترجمه در وضعیت خاص مورد تصریح قرار گرفته است. در مورد آثار ترجمه‌ای که نخستین انتشار آن در ایران صورت گرفته است، همواره قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ حکومت دارد، هر چند از باب تأکید می‌توان در خصوص حق تکثیر اثر ترجمه‌ای به این قانون نیز استناد کرد. اما برای مثال اثر ترجمه‌ای یک مترجم ایرانی که

اولین چاپ آن در ایران صورت نگرفته است از حوزه حاکمیتی قانون مصوب ۱۳۴۸ خارج و مشمول این قانون است. همچنین است در مورد نشریات و کتاب‌های مؤلفان ایرانی که برای نخستین بار در ایران به چاپ یا نشر یا اجرا نرسیده‌اند. این آثار به دلیل نبود شرط مقرر در ماده ۲۲ قانون مصوب ۱۳۴۸ از حقوق مالی مقرر در آن قانون بهره‌مند نبوده و تابع حاکمیت قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ می‌باشند. همان طوری که طی بررسی مواد ۱ و ۲ قانون عنوان شد حمایت این قانون محدود به برخی از امتیازات حق مؤلف در برخی موقعیت‌ها است که از شمول قانون مادر خارج است.

بنابراین، از آنجا که این قانون ناظر به بعضی مؤلفان درخصوص برخی آثار و جنبه‌هایی از حمایت است، به منظور جلوگیری از هرگونه سوءبرداشت از مواد این قانون به ضرر مؤلفان، قانون‌گذار نسبت به حاکمیت و مصونیت قانون مادر هشدار می‌دهد، و به این ترتیب نظریه‌ای که برابر آن این قانون خاص است و قانون مادر را تخصیص زده، رد می‌کند.

همان طوری که پیش‌تر ملاحظه شد در این قانون برای نخستین بار از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی، البته با عنوان تولیدکننده برنامه رادیویی و تلویزیونی حمایت شده است، هرچند قانون در این مورد دارای ایراداتی است (نگاه کنید به توضیحات ماده ۳). در مقدمه نیز عنوان شد که هدف اصلی از وضع این قانون نیز همین بوده، یعنی حمایت از افراد ذی‌نفع حقوق مجاور (هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی). قانون‌گذار در راستای تأیید همین گفته اقدام به وضع ماده ۱۱ کرده که عیناً برگرفته از ماده ۱ معاهده رم درباره حقوق مجاور است و موضوع بررسی بعدی این نوشته را تشکیل می‌دهد.

۱۱. ماده یازدهم

ماده ۱۱: «مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد.»

به هنگام وضع معاهده رم ۱۹۶۱ در حمایت از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، و سازمان‌های پخش رادیویی، مؤلفان نیز به لحاظ نگرانی در سست شدن حق مؤلف و احتمالاً با وضع حقوق مجاور تحت الشعاع قرار گرفتن، در صف مخالفان قرار داشتند. اینان آورده‌های حق مؤلف که حاصل سده‌ها کوشش و تلاش در سطح جهانی بود، را در معرض خطر می‌دیدند و به همین دلیل با وضع یک قانون بین‌المللی در حمایت از هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش مخالفت می‌ورزیدند. به منظور جلب نظر

مؤلفان و تضمین خاطر آنها که با وضع معاهده جدید آسیبی متوجه حقوق آنان نخواهد شد، در صدر مواد معاهده رم ۱۹۶۱ اعلام داشتند: «حمایت مقرر به موجب این معاهده، با حفظ حمایت از حقوق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری، به هیچ وجه خدشه‌ای بر آن وارد نخواهد کرد. در نتیجه، هیچ یک از مقررات این معاهده به نحوی قابل تفسیر نیست که به آن لطمه وارد کند». همین مطلب را قانون‌گذار با سبک و سیاق خاص خود در قالب ماده ۱۱ بیان کرده است.

از ماده ۱ معاهده رم برداشت‌های گوناگون شده است. به نظر بعضی عبارتی کلی است که از جهت حقوقی اعتباری ندارد. به نظر برخی دیگر، عبارت بیانگر تقدم و برتری حق مؤلف نسبت به حقوق مجاور است، و به نظر عده‌ای دیگر عبارت به روشنی حکایت از آن دارد که معاهده حقوق مجاور متعرض وضعیت حقوقی دارندگان حق مؤلف نمی‌شود. همچنین در تفسیر ماده ۲۴ معاهده رم که آن را از نتایج ماده ۱ می‌دانند، آمده است که حمایت بین‌المللی برای اجراها وجود ندارد، مگر در صورت وجود حمایت بین‌المللی از آثار، و در روابط بین کشورها حقوق مجاور نمی‌تواند از حق مؤلف جدا شود.

همچنین عنوان شده است که این ماده جنبه نوعی دستورالعمل برای کشورهای عضو در وضع قانون ملی برای حقوق مجاور دارد که آن را از وضع و اجرای مقرراتی که مستعد لطمه زدن به حق مؤلف اند، باز می‌دارد (محمدزاده وادقانی و لبافیان طوسی، ۱۳۹۹: ۲۵). البته باید در نظر داشت که در دو وضعیت حقوق مجاور بر حق مؤلف بی‌تأثیر است. اول، در مواردی که آثار در قلمرو عموم قرار گرفته موضوع اجرای هنرمند-مجری، ضبط تولیدکننده حامل صوتی و یا پخش سازمان پخش رادیویی قرار می‌گیرد. دوم، مواردی که به اجرای آثار ادبی و هنری مربوط نمی‌شوند، مگر با تصریح قانونی. از آنجایی که در این موارد حق مؤلفی مطرح نیست، بنابراین اصطکاک و مشکلی نیز بین این دو به وجود نمی‌آید (محمدزاده وادقانی و لبافیان طوسی، ۱۳۹۹: ۲۵).

قانون‌گذار فرانسوی نیز با تأسی از معاهده رم طی بند ۱ ماده ۲۱۱-۱ قانون مالکیت فکری اعلام داشته «حقوق مجاور به حقوق مؤلف لطمه‌ای وارد نمی‌کند». در حقوق فرانسه نیز در خصوص اعتبار این ماده اختلاف نظر است و در تفسیر آن گفته شده، هیچ یک از مقررات حقوق مجاور نباید به نحوی تفسیر شود که موجب محدودیت برای اجرای حق مؤلف شود (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۰: ۱۹۸). در مورد مفهوم ماده در حقوق فرانسه بحث فراوان است. به نظر پروفیسور کلمبه دستورالعملی محرمانه برای قاضی دادگاه ماهوی است تا در صورت تعارض بین حقوق معنوی مؤلف و حق معنوی هنرمند در صورت شک و تردید به نفع اولی عمل نماید، همان‌گونه که در پرونده معروف به رستروویچ درخواست هنرمند-مجری (رستروویچ) در حذف بخشی از یک اثر سینمایی به دلیل

اینکه اجرا ماهیتاً دچار تغییر شده است، در دادگاه شهرستان پاریس رد می‌شود با این استدلال که «لطمه وارد شده به اجرا نمی‌تواند توجیه تصمیمی قرار بگیرد که به‌نوبه خود به حقوق مؤلفان فیلم لطمه وارد می‌کند» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

با اتکا به همین ماده ۱۱ قانون است که پیش‌تر گفته شد، هدف اصلی قانون‌گذار از وضع قانون موضوع بررسی، برقراری حمایت جهت ذی‌نفعان حقوق مجاور بوده و نه مؤلفان. اگر در این حرکت از مؤلفان ترجمه و مؤلفان برخی آثار نیز حمایتی صورت گرفته است، این حمایت جنبه تأکیدی و ایجاد تسهیلات بیشتر نسبت به قانون مادر به لحاظ اقتضای زمان داشته است. اظهارنظرهای صورت‌گرفته در مورد ماده ۱ معاهده رم و بند ۱ ماده ۲۱۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه درباره ماده ۱۱ می‌تواند به طور کامل صادق باشد.

۱۲. ماده دوازدهم

ماده ۱۲: «تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.»

این ماده نیز تکرار کلمه به کلمه ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌باشد. همانند ماده ۳۱ یاد شده این ماده تکلیف جنبه خصوصی یا عمومی داشتن بزه‌های مطرح در قانون را مشخص می‌کند، که تصریح دارد بر جنبه خصوصی آن. قابل یادآوری است که از نظر بعضی پژوهشگران قائل شدن جنبه خصوصی صرف برای این نوع جرائم برای حفظ اخلاق جامعه مضر می‌باشد. بنابراین، لازم است که دادستان نیز به عنوان حافظ اخلاق و منافع عموم صلاحیت مداخله را داشته باشد (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸: ۲۹۹).

همان طوری که ملاحظه گردید در این بررسی مختصر سخنی از لایحه حقوق مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط به میان نیامد، زیرا پرداختن به آن نوشته‌ای بس طولانی طلب می‌کند که در این مختصر نوشته نمی‌گنجد. با وجود این، لازم است اشاره شود که لایحه دارای یک سری نقاط قوت است، از جمله مواد ۱۱۳ و ۱۱۴ که از اجراکنندگان و تولیدکنندگان حامل شنیداری به صرف داشتن تابعیت ایران حمایت به عمل می‌آورد. برعکس، به دلیل بی‌توجهی به دستاوردهای معاهدات بین‌المللی و قوانین خارجی، از جهاتی مورد ایراد است. برای مثال در بند ۲۱ ماده ۱ در تعریف تولیدکننده حامل شنیداری لفظ کلیدی و پراهمیت نخستین مرتبه فراموش شده که می‌تواند خسارت بار باشد، چراکه مسیر را بر تولیدات متقلبانه و کپی تولیدات دیگران هموار می‌کند، تعریف و همچنین حمایت از تولیدکننده حامل‌های دیداری شنیداری از قلم افتاده است، تعیین مدت بسیار طولانی پنجاه سال از تولیدکننده حامل صوتی در ماده ۷۷ لایحه غیرمعقول و برخلاف رویه‌های

بین‌المللی است. بنابراین، بحث و بررسی هر یک از این موارد و دیگر موارد و مدلل نمودن آن نیازمند نوشته و نوشته‌های دیگر است که به آینده موکول می‌شود.

نتیجه

با بررسی انجام شده درباره قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، آشکار شد که هدف قانون‌گذار از وضع قانون، حمایت از اشخاص حقوق مجاور، یعنی هنرمندان-مجری، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی است. از این رهگذر مؤلفان آثار ترجمه‌ای و نیز مؤلفان کتب و نشریاتی که مشمول حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نمی‌شوند از جهت نشر اثر، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. با این هدف که عمل غیراخلاقی نشر بدون مجوز کتاب‌ها، نشریه‌ها و ترجمه‌هایی که مورد حمایت قانون اخیرالذکر نیستند را مسدود نماید.

این قانون در پرداختن به موضوع حقوق مجاور دارای نقاط قوت و در مواردی دارای سستی است. این قانون از این جهت که در وضع مواد به آورده‌های قوانین بین‌المللی توجه داشته و هر سه دسته اشخاص را به‌نوعی مورد حمایت قرار داده است و تکثیر غیرمجاز حامل‌های صوتی، صادرات و واردات آن را منع و جرم‌انگاری نموده است، و استثنای آموزشی را با صراحت به رسمیت شناخته، خود را برجسته می‌کند. در عوض، ندادن تعریفی از هر یک از اشخاص مورد حمایت، تعیین نکردن مدت حمایت و نقطه شروع آن، تصریح نکردن به شرط نخستین تثبیت برای تولیدکنندگان حامل‌های صوتی، ممنوع نکردن فروش حامل‌ها به عنوان عملی مستقل به طور روشن، خلط بین آثار صوتی و حامل‌های صوتی از جمله ابهامات قانون به شمار می‌رود که امید است قانون‌گذار در فرصت مناسب درصدد رفع آن برآید.

منابع

- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر شهر دانش.
- شریفی، محسن (۱۳۹۲)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و انگلستان، تهران: نشر میزان.
- کلمبه، کلود (۱۳۹۰)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ماری کرنو و سایرین (۱۳۹۰)، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی رایت، ترجمه محمدزاده وادقانی و محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ماسویه، کلود (۱۹۷۸)، راهنمای معاهده برن، انتشارات سازمان جهانی مالکیت فکری.
- ماسویه، کلود (۱۳۹۹)، حقوق مجاور، راهنمای معاهده رم و معاهده حامل‌های صوتی، ترجمه: محمدزاده وادقانی و لبافیان طوسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۹۸)، برگردان نو و برداشتی از مواد معاهده برن سند پاریس ۱۹۷۱، چاپ دوم، تهران: دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «نگاه و نگرشی به قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸»، در: افق‌های نوین کیفری (مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت دکتر آقائی نیا)، تهران: نشر میزان.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۵۵)، سرگذشت جندی شاپور، انتشارات دانشگاه جندی شاپور.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۸)، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جدال دو قانون»، در: افق‌های نوین کیفری، (مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت دکتر آقائی نیا)، تهران: نشر میزان.
- موسوی مجاب، سید درید، رفیع زاده، علی، (۱۳۹۴)، «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه پژوهشی حقوق کیفری دانشگاه علامه، سال ۴، شماره ۱۳.